بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه75..6/10/1399

( فصل فی المطهرات : الارض - شرایط سلبی و ایجابی مطهریت زمین )

برای مطهریت زمین دو تا شرط قرار داده اند یکی از این دو شرط سلبی است و دیگری ایجابی است ، اما قسم اول شرایط سلبی مطهریت زمین دو شرط است :

◼️ شرط [1] : که در هنگام قدم زدن لازم نیست کف پا یا کفش مرطوب باشد ‌و آن نجاست مرطوب بر اثر کشیدن بر روی زمین از بین برود بلکه اگر خشک هم باشد با راه رفتن پاک میشود لذا مرطوبیت پا و کفش شرط نیست.

دلیل فقها اطلاق روایات متقدمه هست چون اگر رطوبت پا شرط بود باید امام(علیه السلام) میفرمود و عدم بیان امام علیه السلام و مطلق گذاشتنش، دلیل بر این است که مرطوب بودن شرط نیست

◼️ شرط [2] :لازم نیست درهنگام کشیدن بر روی زمین عین نجاست زائل شود یا در هنگام راه رفتن نجاست از بین برود بلکه اگر قبل از کشیدن و یا راه رفتن با چیزی عین نجاست را برطرف کند و آنگاه راه برود قدم و نعل او پاک میشود

دلیل فقها اطلاق صحیحه محمد حلبی است که امام(علیه السلام) فرمودند الیس تمشی بعد ذلک فی ارض یابسة در اینجا راه رفتن را مقید نکرد به زوال عین نجس بلکه راه رفتن را مطلق گذاشت لذا استفاده میشود که زوال عین نجاست نیازی نیست با قدم زدن و کشیدن بر روی زمین صورت پذیرد

همچنین اطلاق صحیحه زراره که امام باقر علیه السلام فرمودند و لکنه یمسحها که قدم و نعل را بر زمین می کشاند و مقید نکرد به اینکه این مسح حتما باید به زمین باشد لذا اگر میفرمود یمسحها بالارض زوال نجاست با کهنه یا چوب یا چیز دیگری نباید صورت بگیرد و چون کلمه بالارض نفرمودند و یمسحها ا مطلق گذاشتند استفاده میشود که در طهارت کف پا و کفش نیازی نیست که با کشیدن روی زمین زوال عین نجاست بشود بله در ادامه حدیث دارد که حتی یُذهب اثرَها پا را بر زمین میکشد تا اثر نجاست از بین برود و منظور از ذهاب اثر نجاست پاکی است نه زوال عین ضمن اینکه مسح یا مشی مقدم برای زوال عین است و اگر با چیزی زوال عین ایجاد شد صرف قدم زدن در تحقق طهارت کافی است چون مقدمه ایجاد شد و نیازی به مقدمه بعدی نیست

◼️ اما شرایط ایجابی مطهریت زمین :

اولین شرط این است که زمین پاک باشد لذا اگر بر روی زمین نجس هرچه قدم بزنید کفش پاک نمیشود عده ای از فقها مثل شهید اول و مرحوم کرکی و مرحوم اسکافی و خود مرحوم سید در عروه و بسیاری از مراجع عظام تقلید همین نظر را دارند

◼️ و اما جماعتی از فقها مثل شهید ثانی در لمعه ج ۱ ص ۶۶ قائل به عدم اشتراط شدند مهم دراینجا اثبات اطلاق روایات یا قصور اطلاق روایات است مرحوم شهید ثانی میفرماید اطلاق روایات و فتوی بر مطهریت زمین بر باطن قدم یا کفش مطلقا است چه زمین پاک باشد و چه نجس باشد این اطلاق اقتضای عدم اشتراط میکند

◼️ درمقابل شهید ثانی صاحب حدائق در حدائق ص ۴۵۷ مخالفت کرده که صحیحه احول اشتراط بر طهارت زمین دارد چون راوی از امام(علیه السلام) سوال کرد مقداری از زمین نجس و مقدار دیگر پاک است بعد از آنکه قدم روی قسمت نجس گذاشت بر قسمت پاک راه میرود امام (علیه السلام)فرمود لاباس اگر ۱۵ ذراع راه برود پس این نفی بأس اشاره دارد که زمین باید پاک باشد تا کفس ما پاک شود

◼️ اشکال برخی از علما بر صاحب حدائق : که لا بأس که اشاره دارد راه رفتن بر زمین پاک باشد در فرض سوال راوی موجب میشود که کف پا و کفش پاک شود و بیش از این اندازه این روایت لسان ندارد یعنی امام(علیه السلام) در صدد بیان اشتراط نیستند بلکه لا بأس ناظر به سوال راوی است لذا کلام امام علیه السلام نه مطلق و نه مقید و نه مخصص است بلکه مهمل است و از این کلام اشتراط طهارت زمین فهمیده نمیشود

◼️ مرحوم آقای خویی در تنقیح ج۳ -ص ۱۲۹ به این اشکال جواب داده اند و مبنای مرحوم شهید ثانی را رد کردند که اشتراط طهارت از این صحیحه از دو جهت بدست می آید :

جهت [1] : این لا باس به نوعی میخواهد اشاره کند که روایت مقید است و سوال راوی مطلق نبود معنای لا بأس این است که در فرض سوال شما که بعد از قدم زدن از موضع غیر پاک به موضع پاک ۱۵ ذراع قدم بزند کف پا یا کفش پاک است پس نفی بأس امضای همین قید است آنهم قید قدم زدن روی مکان پاک و لازمه اش اشتراط زمین برای مطهریت پا و کفش است

جهت [2] : تعلیق امام (علیه السلام)که لا بأس را بر مکان پاک لُبّا برمیگردد که اگر این شرط برود مشروط هم میرود یعنی اگر پاک نبود و ۱۵ ذراع راه برود هرگز نمی گویند لا بأس بلکه میگویند فیه بأس لذا در اینجا معلَق همان پاک است و معلق علیه لا بأس است وقتی معلق مکان قذر باشد معلق علیه لا بأس نمیشود بلکه فیه بأس میشود

◼️ اشکال استاد به مرحوم آقای خویی : اما جهت اول این است که اگر امام (علیه السلام)اینگونه میفرمود لا بأس بوطئ المکان غیر النظیف لو وطأ بعده مکانا نظیفا قطعا استدلال این حدیث برای اشتراط پاک بودن زمین تام بود اما امام (علیه السلام)فقط فرمود لا بأس و قطعا ناظر به همان سوال راوی است و قاعده کلیه از آن استفاده نمیشود که در جمیع شرایط مطهریت زمین شرط هست که زمین باید پاک باشد

◼️ اما جهت دوم ضعف آن به این است که چون در ادامه لا بأس آمده اذا کان ذلک المکان النظیف قد خمسة عشر ذراعا قرینه براین است که جواب امام(علیه السلام) ناظر به سوال راوی است و در صدد قاعده کلی نیست چون امام(علیه السلام) اشاره کرد بذلک المکان النظیف و این اشاره بعید است و مشار الیه ذهن روای است و این مساله جزئیه است و حق با مرحوم شهید ثانی است که اطلاق النص و الفتوی یقتضی عدمه ( شرط )